[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

طراحی و شکل‌گیری خانه روستایی به روایت معماران قدیمی مطالعه موردی: روستاهای شهرستان گرمسار

اکبر زرگر *، محسن سرتیپی پور **، سیدحسن میری ***، حامد شیخ طاهری ****

تاریخ دریافت مقاله: 1394/02/30
تاریخ پذیرش مقاله: 1394/11/18

چکیده

مسکن روستایی که حدود یک سوم از جمعیت کل کشور را در خود جای داده است، دارای ویژگی‌های کالبدی مختلفی است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی مختلف و در پاسخ به مجموعه نیازهای زیست‌بوم روستا شکل گرفته است. در شکل‌گیری خانه روستایی دو رکن اصلی معمار و بهره‌بردار نقش اساسی دارند، از این‌رو مشارکت معمار ماهر با اهالی روستا، در شکل‌گیری خانه مطلوب روستایی نقش به‌سزایی دارد. امروزه اغلب خانه‌های روستایی کشور و به‌طور خاص روستاهای منطقه گرمسار با مشکلاتی از قبیل عدم هویت، فقدان آرامش و صمیمیت، عدم تأمین آسایش اقلیمی، ناپایداری زیستی و به‌طور محسوس با کاهش مشارکت ساکنان روستا در طراحی و ساخت خانه‌ها مواجه هستند.

بررسی راهکارهای عملیاتی به‌منظور افزایش بازدهی و مدت بهره‌برداری از ساختمان‌های روستایی و همچنین طراحی خانه روستایی با تأکید بر «مشارکت فعال مردم» در روستاهای این منطقه از مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر است. پژوهش حاضر به ثبت و تحلیل روش‌های رایج در معماری منطقه دشت گرمسار و شناسایی زمینه‌های هویت بخش معماری روستایی منطقه پرداخته و روش تحقیق آن مبتنی بر روش تحقیق کیفی است. برای گردآوری داده‌های کیفی علاوه بر مشاهدات میدانی از روش مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته در میدان مورد مطالعه، یعنی روستاهای دشت گرمسار استفاده شده است. مبنای تحلیل یافته‌ها قیاس تطبیقی بین ویژگی‌ها و الگوهای معماری خانه در گذشته و امروز در روستاهای منطقه گرمسار است تا از طریق مقایسه، ویژگی‌های شاخص معماری روستایی منطقه شناسایی شود.

معماری روستایی قدیم منطقه گرمسار واجد شاخص‌ها و معیارهای ارزنده‌ای است که می‌تواند پس از شناسایی و دسته‌بندی از طریق مطالعات میدانی، در ساخت و سازهای جدید مورد بهره‌برداری قرار گیرد. به این ترتیب نه تنها ارتباط بین نسل‌ها در بستر اجتماعی روستا تداوم خواهد یافت بلکه هویت کالبد فضایی آن نیز در انطباق با نیازهای ساکنین روستا که خود مشارکت و نقش مستقیم در مراحل مختلف فرایند طراحی و احداث مساکن روستایی دارند، بازسازی و احیا خواهد شد. این مقوله موجب پیدایش احساس تعلق خاطر، باز زنده‌سازی سبک زندگی روستایی مبتنی بر تولید، کاهش مصرف انرژی و تأمین آسایش اقلیمی با استفاده از تکنیک‌های معماری، افزایش مشارکت ساکنان و در مجموع موجب ارتقای سطح کیفی زندگی در مساکن روستایی نوساز منطقه خواهد بود.

واژگان کلیدی: معماری خانه روستایی، دشت گرمسار، معماران بومی، مشارکت.

* استاد گروه معماری دانشگاه شهید بهشتی تهران.
** استاد گروه ساختمان دانشگاه شهید بهشتی تهران.
*** عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
**** دانشجوی دوره دکترای رشته معماری دانشگاه شهید بهشتی تهران. hsheikhtaheri@gmail.com

این مقاله بخشی از رساله دکترای معماری نویسنده مسئول مقاله، تحت عنوان «طراحی خانه روستایی با رویکرد مردم محور» در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

مقدمه

اصولاً خانه روستایی در محیطی استقرار می‌یافت که اهالی آن، بستر زندگی و تولید را در ارتباط تنگاتنگ با محیط پیرامون و طبیعت فراهم می‌کردند و به‌همین سبب است که بیشتر این خانه‌ها از دو بخش اصلی با کارکرد زیستی و معیشتی، در ارتباطی دائمی و دوسویه برخوردار بوده‌اند. از ارکان اصلی شکل‌دهنده خانه‌های روستایی، «معمار» و «بهره‌بردار» هستند که در واقع بهره‌بردار روستایی هم کاربر طرح و هم سرمایه‌گذار بوده و از گذشته تاکنون، در سطوح مختلف با معمار در ارتباط بوده است.

این پژوهش در جست‌وجوی نحوه طراحی و احداث خانه‌های قدیمی روستایی به سراغ معماران قدیمی روستاهای دشت مرکزی گرمسار رفته است تا با توجه به محدودیت منابع موجود در این زمینه، با تکیه بر تجربیات و محفوظات آن معماران به اطلاعاتی دست یابند که منابع اصیل آن در حال فراموشی است. به استناد شواهد عینی در روستاهای دشت مرکزی گرمسار و همچنین براساس مطالعات انجام شده در تاریخ معماری منطقه، در گذشته معاصر منطقه گرمسار (در حدود سال‌های دهه چهل و در زمان اصلاحات ارضی) و قبل از ورود مصالح و فنون معماری غیر بومی، معماران محلی نمونه‌های شاخصی از معماری روستایی را به‌وجود آوردند و با وجود محدودیت‌های فراوان، با حداقل امکانات و ابزار و در شرایط دشوار اقتصادی در روستا، شکل‌های ارتقا یافته ساخت و ساز را سبب شدند. این تحقیق در جست و جوی نقش معماران و مردم در روند شکل‌گیری خانه‌های روستایی منطقه در آن دوره، به گفت‌وگو با معمارانی پرداخته است که به‌دنبال ورود تکنیک‌های جدید به ساخت و ساز در روستا، در فرایندی متفاوت با آنچه طی قرن‌ها در روستاها وجود داشته است، به ناچار پیشه خود را رها کرده و به شغلی غیر از معماری می‌پردازند. با شروع روند فعلی مداخلات در روستاها و وجود برنامه‌های گسترده و جریان‌هایی مانند «طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی» و به‌دنبال تخصیص منابع مالی دولتی، سرعت تغییرات در مناطق مختلف کشور بسیار بیشتر از برنامه‌های تدوین شده معماری بوده است و این جریان سریع از دیدگاه کارشناسان، توفیق نسبی فقط در مقاوم‌سازی سازه‌ای مسکن روستایی داشته است، اما به ویژگی‌هایی مانند معیشت محوری مسکن روستایی، ظرفیت‌های بومی و امکانات و مصالح محلی، سیما و منظر اصیل و ریشه‌دار روستا، نقش عوامل زیست محیطی، پایداری اقلیمی و امکان تعمیر و نگهداری توسط اهالی، کم توجهی شده است. هر چند در مواردی مطالعات و طرح‌های پیشنهادی در طرح ویژه بهسازی، براساس برخی ویژگی‌های اقلیمی و محیطی بوده اما نهایتاً به دلایلی چون عدم پذیرش مردم و عدم حساسیت برخی مسئولان محلی به این موارد، نتیجه اجرا با مفاهیم معماری متناسب با زیست بوم فاصله داشته است.

«ما می‌توانیم از روش سازندگانی که وابستگی متقابل نوع بشر، ساختمان و محیط فیزیکی را تصدیق کرده‌اند، درس بگیریم»(Helena,1998). بر این اساس از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در فرایند این پژوهش مطرح می‌شود، موارد زیر است:

- چه عواملی سبب شده است تا نقش مردم در شکل دادن به خانه روستایی کاهش‌یافته یا تغییر کند؟
- عدم توجه به نقش و مشارکت مردم در طراحی خانه‌های روستایی، چه پیامدهایی خواهد داشت؟
- چرا خواسته‌های طراحان و معماران با خواسته‌های روستائیان فاصله زیاد دارد؟

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

- از معماری گذشته روستاها چه درس هایی می‌توان گرفت تا در روند شکل گیری خانه های روستایی در شرایط کنونی، مداخله صحیح‌تری صورت گیرد؟

- چگونه می‌توان از طریق احیای معماری سنتی روستاهای منطقه گرمسار، علاوه بر پاسخگویی به نیازهای زندگی معاصر ساکنان روستا، به احیای سنت‌های بومی و فرهنگی این منطقه نیز مبادرت ورزید؟

بیان مسئله

به‌طور کلی زندگی روستایی، نوعی از زندگی همراه با تولید و مبتنی بر ساختارهای بومی است که ساکنان آن اغلب نیازهای خود را در محدوده روستا تأمین می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این نیازها، نیاز به سرپناه و مکانی برای سکونت است. بناهای روستایی، به‌خصوص در گذشته نمادی از هویت و بیانگر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نیز معرف شرایط اقلیمی منطقه بوده است. اما در روزگار معاصر یکپارچگی تکنیک‌های ساخت و ساز، تشابه مصالح مورد استفاده و شرایط عمومی زیست در روستاها دچار تحولاتی جدی شده است، به‌نحوی که دیگر خانه‌های روستایی امروزی متناسب با شرایط بستر اقلیمی و زیستی و سبک زندگی روستایی نیست. به تعبیری در حال حاضر با تغییر مفهوم «روستایی» در دو دهه گذشته و برخی تفاوت‌ها در فهم مجدد از آن و عدم توجه به مطالبات جدید جامعه روستایی روبرو هستیم (لویز و همکاران، 1991؛ گاریدو و همکاران، 2002؛ هوگارت و پانیاگو، 2001).

همچنین رشد فناوری و گسترش آموزش‌های دانشگاهی به‌خصوص در زمینه معماری، نتوانسته است عناصر هویتی بومی عمران و آبادانی مناطق را تداوم بخشیده و آن‌ها را به نسل‌های جدید، در چارچوبی که تأمین‌کننده نیازهای زیستی جامعه امروز باشد انتقال دهد. از این‌رو دانش‌آموختگان مدارس معماری کشور، به‌عنوان طراحانی موفق در زمینه احیای سنت‌های بومی روستاهای کشور تثبیت نشده‌اند.

خانه‌های قدیم روستاها به‌خصوص در منطقه گرمسار نیز با آخرین تکنولوژی آن زمان ساخته می‌شده و این انتظار که امروز هم با همان تکنیک یا تکنولوژی ساخته شود، مطرح نیست، اما این اقدامات با مشارکت و همراهی ساکنان و با هدایت معماران سنتی بومی صورت می‌گرفت. مسئله از بین رفتن برخی مفاهیم مستتر در معماری خانه روستایی است که فدای منافع اقتصادی و بی‌توجهی به ماهیت روستا می‌شود و به‌نظر می‌رسد پاسخ به روز و مناسب برای آن نداریم. در حالی‌که معماران سنتی بومی به خوبی شرایط سکونت در منطقه و کیفیت‌های آن‌را می‌شناختند و در عین تأمین سرپناه، با ایجاد احساس رضایت خاطر ساکنان خود، «مفهوم سکونت» را در ذهن آنان ایجاد می‌کردند، اما امروزه با ساختمان‌ها و شیوه‌ای از زندگی جایگزین شده‌اند که با ماهیت زندگی روستایی سازگاری چندانی ندارد.

مسئله‌ای که اغلب روستاهای کشور و به‌طور خاص روستاهای منطقه گرمسار با آن مواجه هستند، عدم هویت، فقدان آرامش و صمیمیت، عدم تأمین آسایش اقلیمی (بدون استفاده از تأسیسات گرمایش و سرمایش) و از همه مهم‌تر کاهش نقش و مشارکت ساکنان روستا در شکل‌گیری و احداث خانه‌هایی است که آن‌ها تنها کاربران اصلی آن خواهند بود. خانه‌ها بدون آن‌که رنگی از هویت و انگیزشی در حس تعلق خاطر ساکنان خود داشته باشند، ساخته می‌شوند.

از سوی دیگر بناهای کهن همین روستاها، نمادی از پایداری زیستی و الگویی مناسب در ساخت و ساز بومی است که غالباً توسط معماران سنتی فعال در منطقه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

احداث شده‌اند. شرایط به‌وجود آمده در عمران و آبادانی معاصر روستاها در انطباق با برنامه‌های تعیین شده از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آینده این زیستگاه‌ها را به جهتی سوق می‌دهد که عدم مشارکت ساکنان روستاها در طراحی و احداث سکونتگاه خود، انزوای معماران سنتی، عدم انتقال دانش‌های بومی به نسل‌های جوان، از بین رفتن شاخص‌های هویتی و منطبق بر فرهنگ منطقه، فراموشی روش‌های رایج در ساخت و ساز محدوده و عدم پایداری شرایط زیستی و بالاخره مهاجرت روزافزون ساکنان روستا از نتایج آن است. حال آنکه بناهای باقیمانده از معماری سنتی و اصیل منطقه می‌تواند الگویی مناسب در طراحی و احداث ساختمان‌های نوساز روستا تلقی شده و از طریق استخراج شاخص‌ها و شناسایی ویژگی‌های معماری ساختمان‌های کهن منطقه، به محرکی در مسیر بازآفرینی فرهنگ اصیل سکونتگاه‌های روستایی منطقه گرمسار، در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی تبدیل شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

توجه به مسئله مسکن روستایی زمانی اهمیت بیشتری خواهد یافت که آن‌را با گذشته نه چندان دور روستاها که پس از اصلاحات ارضی در دهه 1340 خورشیدی دچار تحولات اساسی شدند، به‌لحاظ آرامش، آسایش اقلیمی، صمیمیت، هویت و اصالت، مفهوم سکونت (در مقابل مفهوم سرپناه)، پایداری زیستی، میزان مصرف انرژی، زندگی همراه و همساز با تولید، بازدهی و راندمان مناسب و موارد دیگری از این قبیل، مورد مقایسه قرار دهیم. مقایسه کلی در زمینه‌های مطرح شده، به‌خصوص در روستاهای منطقه دشت گرمسار نشان از افت کیفی زندگی روستایی در سال‌های اخیر و عدم تمایز قابل توجه آن با نوع معماری و زندگی در شهرها دارد، حال آن‌که انتظار می‌رود با وجود تدوین برنامه‌های جامع اجرایی در قالب طرح‌های هادی روستایی و ... با بهره‌گیری از تخصص و طراحی معماران در این روستاها، زندگی به درجات بالاتری از کیفیت، در عین حفظ هویت زندگی روستایی دست یابد. اما به‌نظر می‌رسد با توجه به عدم تحقق این انتظار، نیاز به تدوین رویکردی تازه با الهام از معماری گذشته روستاها در انطباق با نیازهای زندگی امروز وجود دارد.

به‌علاوه مواردی از قبیل صرف هزینه‌های زیاد در بخش مسکن روستایی، دگرگونی کالبدی روستاهای کشور در مدت زمان نه چندان طولانی، عدم رضایت کافی مسئولین، کارشناسان و مردم از روند کنونی تولید مسکن در روستاها، عدم اشراف مناسب طراحان به نیازها و خواسته‌های روستائیان نسبت به واحدهای مسکونی خود، همچنین عدم آشنایی کاربر یا ساکنان روستایی به فرایند و روند قانونی طراحی و ساخت خانه‌های مسکونی با توجه به الگوهای حاکم تدوین شده از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و موارد دیگری از این دست، ضرورت پرداختن به مقوله معماری مساکن روستایی را دو چندان کرده است.

اهداف تحقیق

این پژوهش با تأکید بر ساختمان‌های روستایی منطقه دشت گرمسار، به مقایسه ساختمان‌های جدید الاحداث در این منطقه با معدود بناهای باقیمانده از گذشته، که نمادی از پایداری و همسازی با طبیعت بوده و در عین حال آسایش ساکنان خود را تأمین کرده‌اند، می‌پردازد و به‌طور مشخص، اهداف زیر را در این پژوهش جستجو می‌نماید:

- بررسی راهکارهای عملیاتی در راستای افزایش بازدهی خانه و طول عمر بهره‌برداری از ساختمان‌ها

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

به‌لحاظ کارکردی، زیباشناسی و همچنین تأمین آسایش، آرامش و رضایت‌مندی ساکنان آن‌ها،

- ثبت و نگهداری روش‌های رایج در معماری منطقه از طریق مصاحبه و گفت‌وگو با معدود معماران کهنسال ساکن در روستا که برخی شیوه‌های معماری و ساخت و ساز رو به فراموشی را در ذهن خود دارند و در حقیقت زنجیره ارتباط بین معماری نسل معاصر و گذشتگان، در اندیشه آنان نهفته است[1].

- احیای برخی ابعاد و زمینه‌های هویت‌بخش زندگی روستایی با استفاده از باز زنده‌سازی شیوه‌های معماری و ساخت‌وساز در روستاهای بومی منطقه دشت گرمسار، به‌عنوان اهرمی در راستای بازسازی ساختارهای فرهنگی منطقه،

- معرفی راهکارهای ایجاد خانه‌ای مناسب برای زندگی با تأکید بر «مفهوم سکونت» و نه تنها سرپناه، متناسب با نیازها و خواسته‌های روستائیان،

- طراحی خانه روستایی با تأکید بر «مشارکت فعال مردم» ساکن در روستا، در تمام مراحل شکل‌گیری خانه از طراحی تا احداث و بهره‌برداری.

اهداف مزبور مبین شیوه مطالعات و رویکرد عمومی پژوهش در بررسی مسائل هستند به‌عبارت دیگر هرگونه شناسایی و تحلیل ساختار معماری ابنیه موجود در این روستاها، معطوف به تحقق اهداف فوق است.

روش پژوهش

ساختار پژوهش حاضر مبتنی بر روش تحقیق کیفی است. تحقیق کیفی عموماً به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی به‌دست نیامده باشد. داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه یا تعامل‌های شفاهی گردآوری شده و متمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت کنندگان در آن است. این نوع تحقیق، تحقیقی است که اطلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست نخورده به‌دست می‌آورد. (محمدپور،93:1389) از جمله رویکردهای مورد استفاده در این پژوهش، شیوه تحقیق در حین عمل (Action research) است. این رویکرد به‌عنوان یکی از رویکردهای مشارکتی، ضرورت فرایند یادگیری از طریق تجربه را در حین عمل، به‌منظور توسعه ظرفیت های محلی برای همکاری و برنامه ریزی برجسته می‌سازد. (گرکانی،66:1392)

به‌طورکلی در مطالعاتی که زمینه‌های اجتماعی در آن‌ها وجود داشته و نظرات مردم مطرح می‌شود، برای گردآوری داده‌های کیفی، از انواع تکنیک مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته، ژرف و یا گروهی استفاده می شود. مصاحبه مورد نظر در این پژوهش، از نوع مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته در میدان مورد مطالعه، یعنی روستاهای گرمسار (به‌عنوان نمونه مورد مطالعه) است. در طی مصاحبه‌ها سئوالاتی با محورهای مشخص پرسیده شده است و با توجه به پاسخ های پاسخگو (معماران قدیمی فعال در منطقه)، پژوهشگر آن‌ها را در راستای محور مطالعاتی و مفاهیم مورد نظر متمرکز و عمیق کرده است[2]. بر این اساس در این پژوهش سعی شده است تا اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق در کنار مصاحبه شوندگان، جمع آوری شود. چرا که به‌دنبال آن هستیم که نه از طریق پرسشنامه، بلکه از طریق گفت‌وگو به جهان ذهنی معماران کهنسال مخاطب این پژوهش، در راستای اهداف طرح شده دست یابیم.

ساختار نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه‌ها در این پژوهش به‌صورت غیر احتمالی است و مشخصاً پس از انجام بررسی‌های نسبتاً دشوار، معدود معماران باقی مانده از نسل گذشته معماران روستایی گرمسار شناسایی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

شده و مورد مصاحبه عمیق قرار گرفته‌انـد. همچنـین در بخش تحلیل یافته‌ها، از قیاس تطبیقی بین ویژگـی‌هـا و الگوهای معماری گذشته و امـروز روسـتاهای گرمسـار استفاده شده است تا از طریق مقایسـه بـر ویژگـی‌هـا و وجوه شاخص معماری روستایی منطقه تأکید شود.

اسامی معماران منطقه کـه پـس از جسـتجوی فـراوان امکان مصاحبه با ایشان فراهم گردید، عبارتند از:

1- معمار عظیمی (قدرت ا...) 1313، آرادان
2- اوستا جعفر (مبارکی) 1319، کهن‌آباد
3- اوستا سیدحسن (موسوی) 1315، ریکان
4- اوستا رمضانعلی (شه‌رو) 1314، کندقلی خان
5- معمار اعرابی (عبدالحسین) 1311، هشت‌آباد
6- اوستا علی (فلاح) 1318، رشمه
7- اوستا جعفر (شفاهی) 1312، گرمسار
8- معمار حقگو (محمدعلی)1320، آرادان
9- آق علی بنا (قندالی)1312، فروان
10- حاج نعمت عامری1320، کهن‌آباد
11- اوستا حیدر (فرحی)1310، گرمسار

روستاهای منطقه دشت گرمسار

پیش از ورود به بخش مبانی نظری، معرفی اجمالی از محدوده مورد مطالعه، یعنی مناطق روسـتایی شهرسـتان گرمسار ارائه می‌شود. گرمسار از شهرهای غربـی اسـتان سمنان و در فاصله حدود 100 کیلومتری شرق تهران در کنار جاده تهران- سمنان، در ارتفاع متوسط 850 متـر از سطح دریا قرار گرفته است.

شهرستان گرمسار به‌دلیل همجواری بـا کـویر مرکـزی ایران و همچنین دامنه‌های جنوبی البرز، دارای تنوع آب و هوایی زیادی است و بـا کـاهش ارتفـاع از شـمال بـه سمت جنوب شهرستان، میزان دما افـزایش و بـارش‌هـا کاهش می‌یابد. روستاهای مورد بررسی در این پـژوهش دارای اقلـیم گـرم و خشـک بـوده و بیشـتر در نـواحی جنوبی شهرستان واقع شده‌اند.

گرمسار به‌عنوان یکی از پنج شهرسـتان تابعـه اسـتان سمنان، دارای سه بخش ایوانکی، مرکزی و آرادان است. مطـابق سرشـماری مرکـز آمـار ایـران در سـال 1390 «شهرستان گرمسار» در مجمـوع دارای حـدود 81 هـزار نفر جمعیت است که 70 درصد آن‌ها در نقاط شـهری و 30 درصد دیگر ساکن زیستگاه‌های روستایی هسـتند. از مجموع 342 آبادی شهرستان گرمسار تعداد 200 آبـادی خالی از سکنه و 142 آبادی دارای سکنه هسـتند. یعنـی در نیم قرن اخیر (پس از اصلاحات ارضی) تنهـا در 42 درصد از روستاها سـاکنانی بـاقی مانـده‌انـد و در سـایر آبادی‌ها، مهاجرت موجب تخلیه روستا شده است.

به‌طور کلی روستاها پس از اصـلاحات ارضـی تحـت تأثیر پیامدهای ناشی از آن، به شهر وابسته شدند، الگوی گسـترش و «معمـاری شـهری» را پذیرفتنـد و خزشـی تدریجی از موقعیت پیشین بـه سـمت جـاده (بـه مثابـه شریان دسترسی و بهره‌مندی از خدمات شهر) در آن‌هـا آغاز شد (حجت،1385:75).

بـا در نظـر گـرفتن ویژگـی‌هـای مشـترک اقلیمـی و روش‌های سـاخت و معمـاری ابنیـه در دشـت مرکـزی گرمسار، محدوده پژوهش، روسـتاهای واقـع در حاشـیه دشت و در حد فاصـل شـهر گرمسـار و ارادان در نظـر گرفته شده است لذا ایـن پـژوهش روسـتاهای واقـع در محـدوده ایـوانکی و منـاطق کوهپایـه‌ای و کوهسـتانی شهرستان گرمسار را شامل نمی‌شـود. تشـابه اقلیمـی در منـاطق یـاد شـده مهـم‌تـرین دلیـل انتخـاب آن بـرای بررسی‌های میدانی است. زیـرا اصـولاً سـرپناه، فضـایی کالبدی است کـه انسـان بـرای حفاظـت خـود در برابـر شـرایط آب و هـوایی بـه سـاخت آن روی مـی‌آورد؛

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

به‌همین سبب شرایط اقلیمی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل کلی آن دارد (سرتیپی‌پور،32:1388).

چارچوب و مبانی نظری پژوهش

سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض است. این پیوند از تلاش برای یافتن، یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی شده است. بدین ترتیب انسان زمانی بر خود وقوف می یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد (شولتز،17:1387).

از سوی دیگر برپایی خانه، در حقیقت تجسم عینی ذهنیتی است که از خانه در ذهن روستایی شکل گرفته است. (علی‌الحسابی،70:1387) بنابراین رسالت سنگین معماران در روند شکل‌گیری خانه روستایی قابل انکار نخواهد بود. طراحی خانه روستایی مسیری را طی می‌کند که سرآغاز آن ذهنیت معمار از موضوع طرح است و عمدتاً براساس دانش معماری، عوامل مؤثر محیطی و خواسته‌های بهره‌بردار شکل می‌گیرد. مضاف بر اینکه مسکن در روستاها علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در بر می‌گیرد و به‌گونه‌ای متقابل با آن پیوند می‌خورد (سرتیپی‌پور،46:1384).

اما به‌طورکلی معماری دیروز ایران، ارزشمند بود و سربلند؛ خاک را شرافت می‌بخشید و انسان را کرامت. «کارایی»، «پایایی» و «زیبایی» را پشت سر گذاشته بود و به «والایی» می‌اندیشید. (حجت،64:1382) به‌همین دلیل است که هرگونه برنامه‌ریزی در خصوص ساخت مسکن، می‌باید در بستر «سنت»های ویژه روستاها و منطق حاکم بر آن شکل بگیرد و اتخاذ رویکرد نسبت به شیوه ساخت مسکن روستایی باید بر حفظ تداوم ساخت‌وساز بومی، تأکید بر خواست‌ها و نیازهای ساکنین و تعریف حدود مسئولیت ساکنین در ساخت و ساز متمرکز شود.

معماری خانه‌های روستایی منطقه دشت گرمسار به روایت معماران سنتی

با توجه به اینکه در شکل‌گیری خانه‌های روستایی نقش مردم قابل انکار نیست و در تمام مراحل، حضور صاحبخانه را می‌توان مشاهده کرد، از طریق مصاحبه با معماران آن دوره، تصوراتی جست‌وجو شده است که این نقش را هر چه بیشتر روشن کند و ضرورت توجه به آن‌را نشان دهد[3].

پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی نظرات و دسته‌بندی پاسخ‌ها، وجوه مختلفی از معماری به روش سنتی به‌دست آمد و معماران از برنامه‌ریزی تا مراحل ذهنی طراحی و عینی شدن طرح و رسیدن به شکل نهایی کالبد خانه را شرح دادند. نکات مشترک معماران در فرایند طراحی عبارت از مراحل زیر است:

الف) سفارش کار

نحوه سفارش کار به معماران، از طریق پرس‌وجوکردن در روستا یا روستاهای هم‌جوار و دیدن نمونه کارهای ساخته شده، صورت می‌گرفته است. بعد از شناسایی معمار توسط بهره‌بردار و قرار گرفتن در نوبت کار، نحوه بیان درخواست، اهمیت داشت و این‌که بهره‌بردار در خصوص خانه جدید چه خواسته‌هایی را مطرح می‌کرد و کدام موارد با اهمیت‌تر یا در الویت بود، با معمار منتخب مطرح می‌شد. در حقیقت مالک برای یافتن معمار مورد نظر خود اقدام به الگوبرداری از بناهای موجود می‌کرد. چنانچه الکساندر می‌گوید: «یک الگو، تشریح کننده مسئله ای است که بارها و بارها در محیط اتفاق می‌افتد و سپس راه حلی را ارائه می‌کند که می‌توان از آن بارها استفاده کرد، بدون اینکه تکراری باشد» (Alexander,1977:32).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

در معماری روستایی، میزان همراهی بالای مالک و معمار امری شایان توجه است. در طراحی معماری به شیوه سنتی، طراح و بهره‌بردار به حدی دارای سنخیت بودند که گاهی فرد واحد فرض می شدند. این موضوع به‌دلیل پایگاه اجتماعی معمار و میزان سنخیت و هم‌فکری وی با بهره‌بردار، عاملی در جهت خلق معماری‌های در خور، خاطره‌انگیز و به یادماندنی بود (یوسف‌زمانی،1389:110).

روستائیان عمدتاً درخواست‌های خود را به‌صورت کلّی بیان می‌کردند و بنابر توان مالی و بعد خانوار، مهم‌ترین خواسته آن‌ها، تعداد اتاق بود.

ب) تصورات روستائیان از خانه

در جست‌وجوی تصوّرات روستائیان از یک زندگی مناسب‌تر در خانه آینده، با دو نوع تصوّر مواجه می‌شویم. یکی تصوّرات اولیه که در بدو ملاقات صاحبخانه با معمار وجود داشته است و به سابقه ذهنی او از خانه بر می‌گردد و دیگر آن‌که برای بیان درخواست خود از عواملی کمک می‌گیرد که به شکل‌گیری تصوّرات جدید و انتظارات بهره‌بردار از خانه مطلوب منجر می‌شود. در اغلب موارد با این موضوع مواجه می‌شویم که صاحبخانه اختیار طراحی خانه را به معمار واگذار می‌کرد، زیرا از آن‌چه در روند شکل‌گیری خانه واقع می‌شد، تصوّر روشنی نداشت ولی به‌واسطه دیدن نمونه‌های رایج و با استفاده از ابزار ذهنی «تشبیه» انتظارات خود را از خانه آینده، برای معمار بیان می‌کرد.

روستائیان در خصوص طراحی کردن خانه روستایی، نظر خاصی نداشتند و بیشتر براساس عینیت موجود معماری، انتظارات خود را از طرح یک خانه، بیان می‌کردند. آن‌چنان‌که حسن فتحی می‌گوید: «اهالی گورنا نمی‌توانستند به ما بگویند که چه نیازهایی دارند و به‌طور طبیعی یارای آن‌را نداشتند که از سبک یا زیبایی خانه‌ها صحبت کنند. روستایی هرگز از هنر سخن نمی‌گوید، او هنر را می‌آفریند» (فتحی،1372:53).

ج) طرح و نقشه

از نظر دانش‌آموخته‌های امروز معماری، اساس کار و سرآغاز معماری، با طرح و نقشه‌های مربوط به آن شکل می‌گیرد. اما در فرایند معماری بومی، طراحی پیوندی نزدیک با ساخت دارد. امروزه تقسیم کار بین آن‌ها که طراحی می‌کنند و آن‌ها که می‌سازند اساس جامعه فن‌مدار ما شده است، همچنین جدا افتادگی روز افزون طراحان از کسانی که برای آن‌ها طراحی می‌کنند نیاز به تفحص در خواسته‌های استفاده کننده را پدید آورده است (لاوسون،1384:25).

به گفته چند تن از معماران مخاطب مصاحبه «درخصوص خانه‌های رایج در روستا، هیچ نقشه‌ای وجود نداشت و عمدتاً طرح‌ها و ترکیب‌های ساده‌ای داشتند. امّا خانه‌های اعیانی و اربابی و خانه‌هایی که ریزه کاری داشتند، از روی نقشه اجرا می‌شدند».

با وجود این، طرح‌هایی که به‌صورت فراگیر مطرح و رایج می‌شد، سرمشق داشتند امّا قابلیت این را پیدا کرده بودند که به ذهن معماران سپرده شود و روستا به روستا، پیاده سازی و اجرا شوند.

د) شروع کار و استقرار خانه در زمین

یکی از مهم‌ترین مراحل طراحی خانه‌های روستایی، برنامه‌ریزی زمین و محل استقرار خانه بوده است. در این مرحله همراهی صاحبخانه با معمار و مشورت آن‌ها، در خصوص محل قرار گرفتن خانه و ملزومات آن و بخش‌های مختلف مثل باغچه، ورودی، آب انبار و حوض، بیشتر از مراحل دیگر بوده است.

ه) نقش بهره‌بردار در زمان طراحی خانه

کارفرما فقط منبع برنامه پروژه نیست بلکه وی شریک خلاق فرایند کار است. در حقیقت رابطه میان کارفرما و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

طراح، خود بخش پراهمیتی از فرایند طراحی را تشکیل می‌دهد (لاوسون،99:1384).

در خصوص مشارکت در جزئیات طراحی، اظهار نظرهایی مانند تعبیه تاقچه‌ها به تعداد مورد نیاز، محل انبار مواد غذایی خانوار، تعداد اتاق‌ها، محل مطبخ، محل استقرار رختخواب، بازشوها و... از سوی کارفرما صورت می‌گرفته است.

بررسی ویژگی‌های مسکن بومی در روستاهای دشت گرمسار

براساس مشاهدات صورت گرفته، همانند بسیاری از روستاهای کشور در بافت قدیمی روستاهای منطقه نیز استفاده حداکثری از مصالح موجود در محل رایج بوده است.

سهولت دسترسی، ارزان یا مجانی بودن مصالح و ویژگی‌های کارکردی آن در زمان ساخت و بهره‌برداری سبب شده است که گل و خشت مهم‌ترین مصالح شکل‌دهنده بافت‌های روستایی منطقه در گذشته باشد. در شیوه اجرا نیز استفاده از جرزهای قطور و تاق‌های ضربی بیشترین کاربرد را در طرح و ساخت خانه‌ها داشتند.

درخصوص تعداد اتاق‌ها، توان مالی و اجرایی مؤثر بود. در چیدمان اتاق‌ها عمدتاً به‌صورت ردیفی یا ترکیبی از چند ردیف در دوسمت یک دالان کشیده، عمل می‌شد. اتاق‌های میانی به‌عنوان دالان یا سالن اصلی با دسترسی به اتاق‌های هم‌جوار در نظر گرفته می‌شد. مساحت تقریبی هر اتاق بین 12 تا 15 مترمربع با عرض کمی بیش از 3 متر بود. عوامل محیطی بسیاری در روند شکل‌گیری خانه‌های روستایی تأثیرگذار بودند که در ادامه این بخش با توضیحات معماران سنتی شاغل در همان روستاها به ویژگی‌هایی از خانه‌های روستایی و عوامل شکل‌دهنده در طرح و ساخت آن‌ها پرداخته شده است.

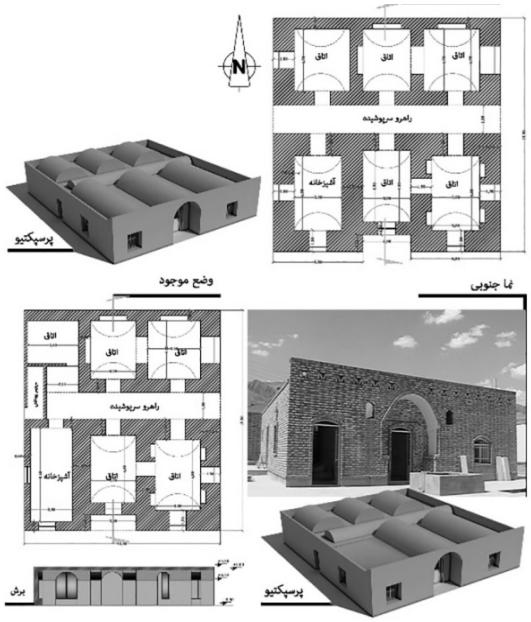
سازمان فضایی

با توجه به نوع زندگی مردم در روستا و نحوه اشتغال و فعالیت آن‌ها در خانه و خارج از آن در فصول مختلف، در مسکن روستایی، انعطاف و شکل‌پذیری وجود داشته است. هم‌چنین به‌دلیل نوع زندگی خانوادگی به‌صورت گسترده و بعد خانوار، امکان توسعه بنای خانه نیز وجود داشته است. اتاق‌هایی که در طول شبانه‌روز بیشتر استفاده می‌شدند، عمدتاً دسترسی اصلی و دسترسی به اتاق‌های پیرامونی داشتند و کوران هوا در آن‌ها بیشتر بود. در برخی موارد نیز اتاقی که رفت‌وآمد کمتری داشت، تمیزتر نگهداری می‌شد تا برای میهمانان مورد استفاده قرار گیرد.

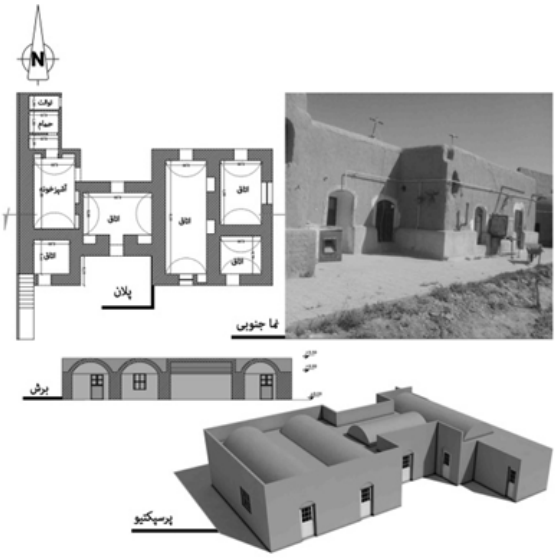
در زمستان هم به‌منظور صرفه‌جویی در مصرف سوخت، یکی از اتاق‌ها که محصوریت بیشتری داشته و در برابر تبادل کمتر هوای خارج و تابش بیشتر و مستقیم در روز قرار داشت، به‌عنوان اتاق کرسی در نظر می‌گرفتند. یکی از معماران مورد مصاحبه در توصیف شکل مساکن روستایی گرمسار گفته است:

«ابعاد اتاق‌ها معمولاً به یک اندازه بود. برای بافت فرش یا گلیم، از حیاط و روی زمین استفاده می‌کردند. اتاقی که در وسط و محل ورودی اصلی با دسترسی به اتاق‌های پیرامونی قرار داشت اگر عرض آن حدود 3 متر بود، معروف به تالار یا سالن بود و اگر راهرویی با عرض حدود 2 متر بود به آن دالان می‌گفتند. سالن در خانه روستایی، به‌خصوص در فصول کمتر سرد سال، بیشترین استفاده را داشت و عمدتاً دارای تهویه مناسب‌تری هم بود». در تصاویر شماره 1 تا 6 نمونه‌هایی از خانه‌های قدیمی دشت گرمسار در روستاهای مختلف مورد مطالعه انتخاب و پلان، پرسپکتیو، نما و مقطعی از آن‌ها ترسیم شده است.

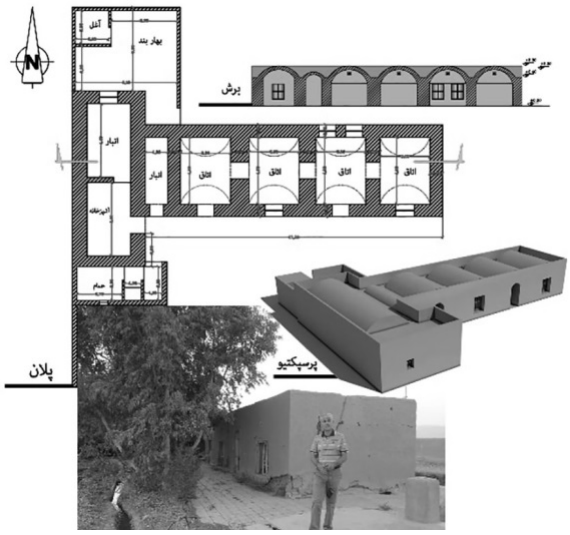
[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]



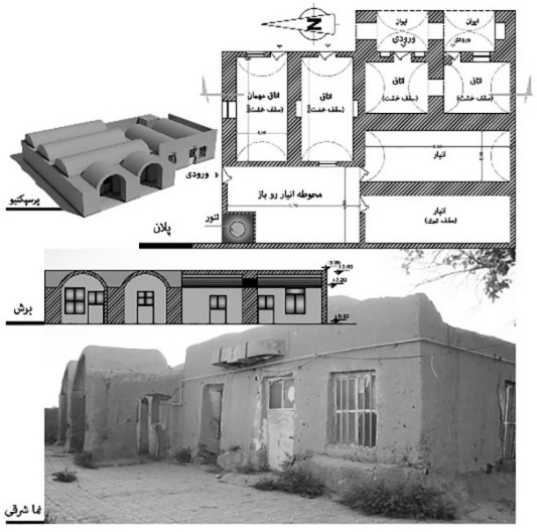
ت **1.** نمونه خانه در روستای جلیل‌آباد. ترسیم: نگارندگان.



ت **3.** نمونه خانه در روستای ریکان. ترسیم: نگارندگان.

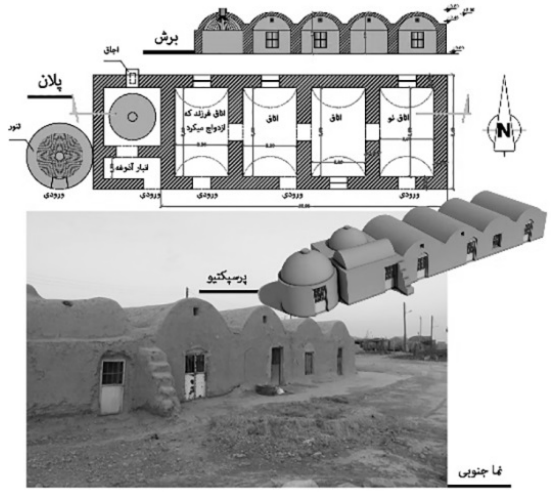


ت **2.** نمونه خانه در روستای سرآسیاب. ترسیم: نگارندگان.

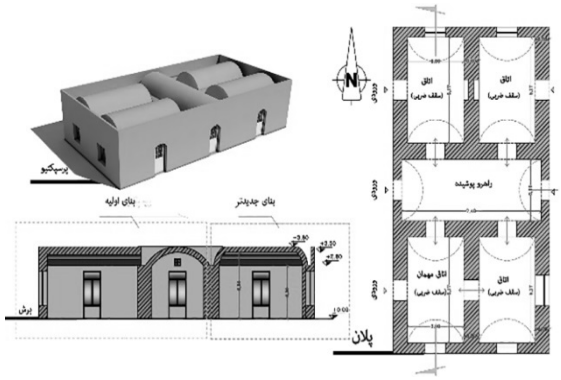


ت **4.** نمونه خانه در روستای لجران. ترسیم: نگارندگان.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]



ت 5. نمونه خانه در روستای سرآسیاب. ترسیم: نگارندگان.



ت 6. نمونه خانه در روستای ریکان. ترسیم: نگارندگان.

جهت‌گیری خانه در طراحی معماری

جهت قرارگیری اتاق‌ها به‌منظور استفاده بهینه از انرژی تابشی به‌خصوص در فصول سرد و بهره‌گیری از سایه و کوران هوا در فصول گرم، یکی از مهم‌ترین مراحل تصمیم‌گیری در طراحی خانه‌های روستایی بوده است. عمدتاً جهت اتاق‌ها رو به جنوب و پنجره‌ها رو به آفتاب قرار می‌گرفتند. یکی از معماران در مصاحبه خود می‌گوید: «خانه‌ها در روستا رو به جنوب (قبله) ساخته می‌شدند تا آفتاب به داخل اتاق بتابد. در این خصوص اولویت با اتاقی بود که در زمستان محل قرارگیری کرسی بود. ضمناً مردم اعتقاد داشتند اگر در خانه‌ای آفتاب نیافتد، آن مکان مریض و اگر آفتاب‌گیر باشد، سالم خواهد بود».

اندازه اتاق‌ها

استفاده از «تناسبات انسانی» و حداقل ابعاد و اندازه کاربردی بنا، عامل مهمی برای کاهش هزینه‌های اقتصادی است. همواره قناعت و استفاده بهینه از امکانات موجود، یکی از ارزش های زندگی سنتی و معماری روستایی ایران بوده است (زرگر،1393:49).

در ساختمان‌های روستایی قدیم گرمسار، اغلب اندازه اتاق‌ها سه در چهار یا سه در پنج بوده است. با توجه به استفاده از تاق‌های ضربی با مصالح خشت و گل، دهانه‌های 3 تا 3/5 متری در نظر گرفته می‌شد، امّا طول اتاق‌ها تا حدود 7 متر و گاهی سالن‌ها و دالان‌ها با طول بیشتر نیز اجرا می‌شدند. طول اتاق‌ها بستگی به‌نظر صاحبخانه داشت و محدودیتی در اجرای آن وجود نداشته است. تصویر شماره 7 یکی از معماران قدیمی منطقه را نشان می‌دهد که نحوه معماری و ساخت بنا را پس از سالیان دراز، برای بهره‌بردار قدیمی روایت می‌کند.



ت 7. معمار (اوستاجعفر شفاهی، سمت چپ تصویر)، در روستای سرآسیاب کردوان با حضور بهره‌بردار (غلام بیابانکی) از نسل گذشته، روند شکل‌گیری خانه را تشریح می‌کند.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

فرم کالبدی

در خصوص فرم کالبدی مساکن، صاحبخانه معمولاً نظر خاصی نداشته است و معمار براساس امکانات موجود، نیازها و شرایط کارفرما و بیشتر با هنر و توان خودش، خانه را شکل می‌داد. مردم یک روستا اگر شکل خاصی را در یک خانه می‌دیدند، همان را می‌خواستند تا معمار انجام دهد و در واقع نوعی از رقابت میان آن‌ها وجود داشته است. دو تن از معماران مورد مصاحبه می‌گویند: «در روستاهای گرمسار قبل از رواج ساختمان‌های تاق ضربی(تصویر شماره 8)، مردم در ساختمان‌هایی زندگی می‌کردند که به‌لحاظ شکل و کیفیت، مشابه ساختمان دامداری‌هایشان بود. لذا به شکل و اندازه خانه و جزئیات آن اعم از در و پنجره اهمیت زیادی نمی‌دادند. امّا هر جا که ساختمان‌های خشتی جدید ساخته می‌شد، مردم به یکدیگر می‌گفتند و یکی یکی می‌ساختند تا در روستاها انواع ساختمان خشتی با سقف‌های تاقی زیاد شد». به‌علاوه «برخی از شکل ساختمان‌هایی که توسط افراد سرشناس در روستا ساخته می‌شد یا آن‌هایی که در شهرها وجود داشت، مورد نظر مردم قرار می‌گرفت، شکل کار را می‌دیدند و بعد برای انجام کار سراغ معمار می‌رفتند».



ت 8. نمونه‌ای از بناهای تاق ضربی روستاهای منطقه.

ساخت‌وسازهای جدید مسکن روستایی در منطقه دشت گرمسار

در ساخت و سازهای امروزی روستاهای منطقه دشت گرمسار، در فرایندی همسان با سایر روستاهای کشور، ساکنان روستا برای ساخت مسکن، ابتدا درخواست خود را به دهیاری ارائه می‌دهند. سپس به‌منظور کنترل محل استقرار خانه در زمین و دریافت میزان سطح اشغال و سایر ضوابط طرح هادی روستا، به بنیاد مسکن مراجعه می‌کنند. پس از آن برای تهیه طرح و نقشه مسکن مورد نظر خود، به یکی از دفترهای طراحی زیر مجموعه بنیاد مسکن مراجعه کرده و پس از تکمیل کلیه نقشه‌های معماری و سازه، با معرفی ناظر و تأیید بنیاد مسکن، جواز مربوطه صادر می‌شود.

روستائیان در صورت تمایل به استفاده از تسهیلات بانکی در این مرحله به بانک معرفی می‌شوند و براساس پیشرفت عملیات ساختمانی و با تأیید ناظر و کارشناس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، به‌صورت مرحله‌ای وام مزبور را دریافت می‌کنند. گفتنی است برخی از روستائیان از وام مسکن روستایی به عنوان «دامی» یاد می‌کنند که در آن گرفتار شده‌اند. این موضوع ناشی از درآمد بسیار پایین آن‌ها و هزینه بالای زندگی است (اردهایی،1391:77).

همانطور که تصویر شماره 9 نشان می‌دهد در خصوص طرح و نقشه خانه‌های امروزی و جزییات اجرایی آن نیز می‌توان گفت طرح‌ها تفاوت بارزی با ساختمان‌های شهری نداشته و ساختمان‌هایی همسان با شهرها، با استفاده از مصالح وارداتی و شیوه‌های غیر بومی طراحی و احداث می‌شوند.

با وجود ضرورت انکارناپذیر توجه به ویژگی‌های زندگی روستایی و نظر به نیاز ساکنان روستا در زمینه ایجاد فضاهای معیشتی (یا حداقل فضاهای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

مشترک معیشتی) در کنار فضاهای باز مناسب، توجه طراحان معاصر تنها معطوف به تهیه نقشه بخش سکونتی در قالب سرپناه و عمدتاً براساس ضوابط شهری است لذا مورفولوژی خانه‌های روستایی وجه شاخص یا هویت متمایزی ندارد که مختص روستاهای منطقه باشد و مشابه سایر زیستگاه‌های شهری و روستایی منطقه است. در این شرایط از عوامل بسیار مؤثر در شکل‌دهی بناها، توان اقتصادی ساکنان آن است.



ت 9. نمونه‌ای از بناهای امروزی در روستاهای منطقه دشت گرمسار.

تحلیل یافته‌ها

براساس مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده «فرایند» پیشین طراحی تا ساخت مسکن روستایی در منطقه گرمسار شامل مراحل زیر است:

الف) قبل از اجرا: ارائه درخواست کارفرما، تهیه مقدمات کار، تحویل زمین، طرح‌ریزی، پیاده‌سازی و ثبت طرح اولیه روی زمین،

ب) آغاز مراحل اجرا: کندن محل ستون‌ها، شروع پایه چینی، تعبیه ملزومات خانه اعم از تاقچه و تاق درون و بازشوها و ...،

ج) اجرای تاق: انواع تاق با توجه به طرح اولیه مورد نظر، تعیین و اجرای قطر پایه‌ها و اندازه دهانه‌ها،

د) پایان تاق زنی: تعبیه ملزومات خانه در بام اعم از انبارها و اجرای بام تخت برای استفاده در تابستان،

هـ) ظریف کاری: نصب بازشوها، کاهگل مالی (بام، دیوارهای داخل و خارج و کف) و در برخی موارد اندود گچ یا گچ و خاک.

همچنین معماری کردن محل سکونت روستائیان، علاوه بر خانه و محل زیست او (اعم از اتاق‌ها و ...)، شامل بخش‌های پشتیبانی و بهداشتی، محل نگهداری دام، انبارهای مرتبط با کشاورزی و دامداری، به عنوان اجزای جدانشدنی از مجموعه بخش‌های زندگی و معیشت ساکنان روستا بوده است.

اجرای کار نیز عمدتاً به این ترتیب بوده است که ابتدا نقشه ذهنی را با ریسمان‌کار روی زمین پیاده می‌کردند، سپس نقشه یکی از اتاق‌ها را در می‌آوردند. بعد در خصوص چیدن اتاق‌های دیگر تصمیم‌گیری می‌شد. کنج‌ها را نیز با گونیای چوبی در می‌آوردند. بنابراین گونیای اتاق اول اهمیت زیادی داشت. اندازه پایه‌ها و اندازه داخلی اتاق به ترتیب در نظر گرفته می‌شد. به‌طور مثال پایه‌های اول (بیرونی) را عموماً چهار خشت و پایه‌های وسطی را سه خشت و دهانه را حداکثر 3/5 متر در نظر می‌گرفتند و با دقت در گونیا کردن و سپس کنترل آن، گوشه‌ها را میخ زده، ریسمان را کامل می‌کشیدند. سالن و اتاق‌ها را روی زمین پیاده می‌کردند. معمولاً عرض اتاق‌ها نیز طوری در نظر گرفته می‌شد تا یک قالی به‌راحتی قرار گیرد. در صورت امکان جایی اضافه‌تر برای «پشتی» هم در نظر می‌گرفتند. در مرحله بعد، محل پی‌ها و پایه‌ها را به اندازه یک پا (20 تا 30 سانتی‌متر) می‌کندند تا به خاک سفت برسند و شروع به اجرای پایه‌ها می‌کردند. زیر پایه‌ها را شفته آهک می‌کردند، در این صورت

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

محل پایه‌ها را تا حدود نیم متر کنده، آهک می‌ریختند و شفته می‌کردند. بعد از مشخص شدن محل پایه‌ها به کمک ریسمان‌کار و چیدن خشت خشک و کنترل کنج‌ها، رگ اول را به‌صورت کامل اجرا می‌کردند. سپس پایه‌ها را تا زیر تاق توسط خشت و گل می‌چیدند. پس از مدت زمانی از یک تا چند ماه که از اجرای پایه‌ها گذشت و نشست کامل صورت گرفت اِسپَرها (دیوارهای دو سمت تاق) را اجرا می‌کردند. تصویر شماره 10 مراحل اجرایی نمونه‌ای از ساختمان‌های قدیم روستایی گرمسار را نشان می‌دهد.



ت 10. مراحل اجرای خانه با تاق ضربی.

نحوه پیاده کردن تاق ضربی نیز به این صورت بود که پس از انتخاب نوع تاق (که عمدتاً توسط معمار صورت می‌گرفت) مرکز قوس را پیدا کرده، با ریسمان‌کار به‌صورت پرگاری دور تاق را در می‌آوردند و روی اِسپَرها علامت می‌زدند. سپس گل زده، تاق را بدون ریسمان‌کار و به روش «چشمی»، اجرا می‌کردند. نوع دیگری از تاق‌های مرسوم در معماری قدیم منطقه، تاق رومی است. برای اجرای تاق‌های رومی نیاز به ساخت قالب‌های گچی روی زمین بود. پس از ساخت قالب به‌صورت دو تکّه، آن‌را در محل پایه‌های مورد نظر نصب کرده، رومی را اجرا می‌کردند. تاق‌های رومی و تاق و چشمه، در خانه‌های مرسوم روستایی، مورد استفاده قرار نمی‌گرفت. بیشتر در مساجد روستا، آب انبارها، انبارهای بزرگ و خانه‌های اعیانی و اربابی، از «تاق رومی» و «تاق و چشمه» استفاده می‌شد.

نتیجه

طراحی خانه‌های روستایی قدیم گرمسار، به‌نحوی است که قابلیت اجرا توسط معماران محلی با استفاده از مصالح و امکانات بومی و در چارچوب توان اقتصادی روستائیان را داشته باشد و به‌علاوه تعمیر و نگهداری ساختمان با امکانات محلی میسر باشد. این مساکن به‌لحاظ اقلیمی نیز در فصول مختلف سال، آسایش نسبی بهره‌بردار را تأمین می‌کنند. مدیر اجرایی، طراح و سازنده خانه روستایی معمار سنتی ماهری بود که از عهده تمام کار ساختمان بر می‌آمد و بدون حضور معمار، احداث خانه روستایی با شیوه‌های ارتقا یافته امکان‌پذیر نبود.

اما در معماری ساختمان‌های جدید روستایی منطقه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

گرمسار، به‌لحاظ مدل برنامه‌ریزی اقتصادی احداث مسکن، تکنیک‌های معمارانه در تأمین آسایش اقلیمی، نوع مصالح مورد استفاده و به‌طور کلی در طراحی ساختمان مطابق ساختارهای اجتماعی و هویتی منطقه، نمی‌توان خصوصیات منحصر به فردی را شناسایی و تعیین کرد، به‌نحوی که ساخت و سازهای جدید را با گذشته منطقه پیوند دهد.

براساس یافته‌های پژوهش مشارکت مردم در شکل‌گیری خانه‌های قدیم روستایی گرمسار یک اصل انکارناپذیر است. این مشارکت در تمامی مراحل ساخت، از انعکاس ذهنیت‌ها در چارچوب طرح اجرایی تا تأمین مصالح و همکاری در عملیات بنایی وجود داشته است.

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز معماری قدیم و جدید روستایی در این منطقه، «مخاطب ارجاع کار» از سوی متقاضی احداث مسکن است. در زمان گذشته مرجع طراحی و احداث ساختمان، معمار سنتی است که به خوبی با ویژگی‌های مختلف منطقه و اقلیم، نوع و سطح خواسته‌های روستائیان و سبک زندگی آن‌ها آشنایی دارد و بین آن‌ها زبانی مشترک حاکم است. لذا محصول طراحی پاسخگوی نسبتاً تام نیازهای کارفرما است. اما در دوران اخیر مالک با دریافت نقشه‌های تیپ و نه چندان هم‌ساز با ویژگی‌های بستر محل استقرار مواجه است که تناسب کافی را با نیازهای زندگی روستایی را ندارد (جدول شماره 1).

در فضای قدیم روستاهای منطقه گرمسار، خانه‌های به رنگ و جنس خاک و با سقف‌های منحنی شکل، صورت غالب در معماری منطقه را موجب شده‌اند که سرشار از صمیمیت و القا کننده آرامش به ساکنان آن است اما امروزه مصالح خشن و فرم‌های معماری همسان با سایر سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی، هویت زندگی در این روستاها را مخدوش کرده است.

از جمله یافته‌های این پژوهش، شناسایی نحوه ترویج یک سبک معماری در محیط روستا است. برای روستائیان، مشاهده عینی در محیط پیرامون می‌تواند به‌عنوان یک رسانه قوی در رواج یک اثر یا شیوه عمل، کاملاً مؤثر باشد. در فرایند قدیمی شکل‌گیری خانه‌های روستایی، روستائیان با حضور مؤثر و مشارکت فعال، در مراحل مختلف طرح‌ریزی تا اجرا، در یک فرایند منظم، تا حدود زیادی خواسته‌های معقولشان را به‌دست می‌آوردند و در مقابل متوجه کذب یا گاه غیر عملی بودن برخی دیگر از خواسته‌هایشان نیز می‌شدند. بنابراین می‌بایست به دور از تدوین ضوابط خاص برای استانداردسازی مسکن روستایی و با پرهیز از تیپ‌بندی نقشه‌ها و کاربرد الگوهای وارداتی در معماری مساکن روستایی، از طریق طراحی و ساخت خانه‌هایی براساس نیازهای ساکنان و با تأمین شرایط مطلوب محیطی در آن، نمونه‌های مناسب مسکن روستایی را ایجاد کرد و توسط خود اهالی رواج داد. به این ترتیب نوعی از مشارکت مردمی نیز در معماری روستا تحقق یافته است.

در سال‌های اخیر عوامل متعددی سبب شده‌اند که نقش مردم و ساکنان روستا در طراحی و احداث خانه های روستایی منطقه گرمسار تغییر کرده و کاهش یابد. یکی از عوامل موثر در این زمینه مداخله بخش دولتی و جایگزین شدن آن با نقش‌هایی است که پیش‌تر (در فرایند معماری سنتی روستا) از طریق مشارکت مردمی فراهم می‌شد. مواردی از قبیل اعطای وام و تسهیلات، معرفی طراحان، ارائه الگوهای ساخت‌وساز، منابع تأمین مصالح و... از جمله نقش‌هایی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

است که در گذشته بهره‌برداران در ارتباط دوسویه با طراح و معمار در آن مشارکت فعال داشتند، اما امروزه با مداخله نهادهای عمومی و دولتی نقش و جایگاه مردم در این فرایند به شدت متزلزل شده است. به علاوه تدوین ضوابط الزام‌آور و محدودکننده مبنی بر نظارت تام دستگاه‌های اجرایی تمام مراحل طراحی تا ساخت خانه‌های روستایی، بر کاهش نقش مردم در این فرایند مشارکتی دامن زده است.

ردیف	معیار مقایسه	در معماری روستایی قدیم	در معماری روستایی جدید
1	نحوه سفارش کار و درخواست	با مراجعه به معماران محلی و پس از دیدن نمونه کارهای ایشان	مراجعه به دهیاری و دریافت نقشه از مراجع مورد تأیید بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
2	تصویر ذهنی مردم از خانه	براساس خواسته‌ها و نوع نگاه ساکنان به مسکن	براساس ضوابط تیپ همسان و مشابه بناهای شهری
3	طراحی و تهیه نقشه	طی مذاکره کارفرما با معمار و براساس نیازهای زندگی روستایی منطقه و با توجه به شغل کارفرما	از طریق مراجعه به مراجع دولتی و با انتخاب محدود و در چارچوب ضوابط کنترلی همسان
4	منابع مالی شروع کار	مطابق توان اقتصادی و با نیروی کار مالک یا کارفرما	با استفاده از وام‌های دولتی و به‌دنبال آن تغییر سبک زندگی روستایی با توجه به مفروض بودن مالکین
5	مشارکت مالک یا کارفرما	همکاری و مساعدت در تمامی مراحل انجام کار از طراحی، تأمین مصالح و سایر مراحل اجرایی	مشارکت محدود در امور اداری و مالی ساخت و ساز
6	فرایند و تکنیک اجرای ساختمان	براساس تکنیک‌های بومی مختص ناحیه محل احداث ساختمان	طی فرایندی همسان در همه روستاهای کشور
7	مصالح مورد استفاده	متناسب با مصالح بوم‌آورد محیط زیست منطقه	مصالح وارداتی و بدون تناسب با ویژگی‌های بومی
8	هویت، اصالت و تشخیص	هماهنگی کامل با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... ساکنان روستا	اغلب در تناقض با ساختارهای فرهنگی منطقه
9	آسایش اقلیمی	طراحی همساز با اقلیم و متناسب با جغرافیای محل استقرار و با حداقل وابستگی به منابع انرژی	متناسب با تکنولوژی‌های وابسته به منابع انرژی
10	تناسب مسکن با سبک زندگی	هم پیوندی فرم کالبدی بنا با نیازهای زندگی روستایی	متناسب با سبک زندگی مصرف‌گرا و متضاد با ماهیت زندگی مبتنی بر تولید در روستاها
11	اجزای تشکیل‌دهنده خانه	شامل انبار، بهارخواب، تراس، حیاط، فضای سبز، و باز متصل به اراضی باغی، محل نگهداری دام و ...	ساختمانی محدود به سکونت در غالب «سرپناه» و البته مجهز به پارکینگ برای خودروها!

ج 1. تطبیق شاخص‌های متناظر در معماری روستایی قدیم و جدید منطقه دشت گرمسار.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

کاهش مشارکت ساکنان روستا و حذف تدریجی رویه‌های مردم‌محور در ساخت و سازهای روستایی، سبب شده است که ظرفیت‌های معماری گذشته و هویت روستایی به فراموشی سپرده شود. این تحولات حذف معماران سنتی را به‌همراه داشته، زمینه‌های توسعه و ورود تکنولوژی به روند معماری سنتی را ناقص گذاشته است و موجب شده تا فرایند توسعه و رشد روش‌های معماری بومی گرمسار دچار انقطاع تاریخی شود.

به‌طور کلی معماری روستایی منطقه گرمسار در گذشته واجد شاخص‌ها و معیارهای ارزنده‌ای است که می‌تواند پس از شناسایی و دسته‌بندی از طریق مطالعات میدانی، چنانچه در این مقاله تا حدودی به آن‌ها پرداخته شد، در ساخت و سازهای جدید مورد استفاده قرار گیرد. به این ترتیب نه تنها ارتباط بین نسل‌ها در بستر اجتماعی روستا تداوم خواهد یافت، بلکه هویت کالبد فضایی آن نیز در انطباق با نیازهای ساکنین روستا، بازسازی و احیا خواهد شد.

پی‌نوشت

1. اغلب معماران در زمان مصاحبه عنوان کردند که بیش از چهل سال می‌گذرد که با آن شیوه و امکانات، در روستاها برای مردم خانه می‌ساختیم؛ اما تا امروز کسی از ما بابت کارهایمان سراغی نگرفته است. خیلی چیزها در سینه ما می‌ماند و ما می‌رویم. این مطالب تا حدودی نشان‌دهنده غریب و مهجور ماندن موضوع معماری بومی در روستاهای منطقه گرمسار است.

2. از طریق گفت‌وگو، مسافرت، پرسش، گوش دادن، مشاهده کردن و کار با روستائیان است که می‌توان از آن‌ها به‌طور مؤثر مطلب آموخت. برای ایجاد پیوند میان دانش و مهارت‌های مردم روستایی، در اولین گام می‌باید با روستائیان هم‌نشین شده و به سخنان آن‌ها گوش دهند و از آن‌ها بیاموزند (چمبرز،1387:131).

3. خانه‌هایی که در این پژوهش مورد نظر قرار گرفته است، گونه‌های رایج و مربوط به عموم روستائیان می‌باشد و شامل خانه‌های اربابی و اعیانی نیست.

فهرست منابع

- چمبرز، رابرت. (1387)، توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقرای روستایی. ترجمه: مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران.
- حجت، عیسی. (1382)، آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها. نشریه هنرهای زیبا، شماره 14، صص 70-63.
- حجت، عیسی. (1385)، تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران، مقاله منتشر شده در نشریه هنرهای زیبا، شماره 26، صص 84-75.
- زرگر، اکبر؛ حاتمی خانقاهی، توحید. (1393)، وجوه مؤثر بر طراحی مسکن روستایی. مسکن و محیط روستا، شماره 148، صص63-45.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1384)، شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران. نشریه هنرهای زیبا، شماره 22، صص 52-43. تهران.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1388)، آسیب‌شناسی معماری روستایی (به سوی سکونتگاه مطلوب)، انتشارات شهیدی، چاپ نخست، تهران.
- شولتز، کریستیان نوربری. (1387)، مفهوم سکونت؛ (به سوی معماری تمثیلی) ترجمه محمود امیریاراحمدی، نشر آگاه، تهران.
- عبد مجیری، امین. (1389)، طرح تحقیقاتی گونه‌شناسی مسکن روستایی استان سمنان. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان سمنان.
- علی‌الحسابی، مهران؛ راهب، غزال. (1387)، برپایی خانه روستایی فرایندی از ذهنیت تا عینیت. مقاله منتشر شده در فصلنامه تخصصی شهرسازی و معماری آبادی، شماره24، صص 74-68.
- فتحی، حسن. (1372)، «ساختمان‌سازی با مردم». ترجمه علی اشرفی، دانشگاه هنر معاونت پژوهشی، تهران.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

- قاسمی اردهایی، علی؛ رستمعلی‌زاده، ولی‌الله. (1391)، «اثرات وام روستایی در تغییرات زندگی روستائی» مقاله، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 139، صص 70-57.
- گرکانی، امیرحسین.(1392)، ملاحظاتی بر طراحی خانه روستایی در بازسازی پس از سانحه. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- لاوسون، برایان. (1384)، طراحان چگونه می‌اندیشند، ابهام‌زدایی از فرایند طراحی. ترجمه حمید ندیمی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- محمدپور، احمد. (1389)، ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی (جلد 1)، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
ـ یوسف‌زمانی، مهرداد. (1389)، بررسی و بازتعریف جایگاه مشارکت بهره‌بردار در فرایند طراحی مسکن. پایان‌نامه دکترای معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
-Alexander, Christopher (1977), A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction, Oxford University Press.
-Garrido, F., Mauleon, J.R., Moyano, E. (2002), Rural restructuring and the effects of rural development policies in Spain. In: Halfacree, K., Kovach, I., Woodward, R. (Eds.), Leadership and Local Power in European Rural Development, Aldershot .
-Helena, C.(1998), "Bioclimatism in vernacular architecture", Renewable and Sustainable Energy Reviews, Issue 2.
-Hoggart, K., Paniagua, A.(2001), What rural restructuring? Journal of Rural Studies, 17.
-Lewis,G.J.,McDermott, P, Sherwood, K.B. (1991), The counter-urbanization process: demographic restructuring and policy response in rural England. Sociologia Ruralis, 31.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]